

آینه‌نو بررسی کرد

# ناترازی صندوق‌های بیمه اجتماعی محصول چیست؟

صندوق بازنشستگی، تعیین‌کننده وضعیت ورود و خروج منابع این نهادها و همچنین تراز مالی و بیمه‌ای آنان خواهد بود. «او یادآور شد: «توجه به شاخص‌های مذکور، ایجاد بستر اجرایی کردن آن‌ها و حرکت در مسیر ایجاد پایداری منابع و کنترل مصارف صندوق‌های بیمه‌ای را می‌توان راهبرد اثرگذاری برای راهبری بیمه‌های اجتماعی در مسیر سیاست‌های کلی حوزه تأمین اجتماعی (ابلاغی مقام معظم رهبری) به‌شمار آورد. این راهبرد همچنین تمهیدی برای نجات صندوق‌های بازنشستگی از وضعیت ناتراز مالی محسوب می‌شود.»

## دستمزد واقعی در کنار محاسبه تعهدات بیمه‌ای

عابدی‌روش ادامه داد: «رئیس دولت چهاردهم در شرایط مختلف به ضرورت اجرای سیاست‌های برنامه هفتم توسعه و سیاست‌های ابلاغی اشاره و تأکید دارد، به این واسطه از یک طرف توجه به سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی و عدم افزایش تعهدات بیمه‌ای برای صندوق‌های بیمه‌گر و از سوی دیگر تمرکز بر کلیدوازه حقوق و دستمزد و تعیین منطقی و واقعی آن می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات حوزه ناترازی صندوق‌های بازنشستگی باشد.»

او اضافه کرد: «پرداخت حقوق و دستمزد واقعی به جامعه کارمندی و کارگری تحت‌پوشش بیمه‌های اجتماعی، موجب ورودی مناسب حق‌بیمه به بیمه‌های اجتماعی می‌شود. به این ترتیب می‌توان انتظار کاهش ناترازی منابع بیمه‌گران اجتماعی شکل می‌گیرد.»

این کارشناس حوزه بیمه‌ای گفت: «توضیحات ارائه شده نشان می‌دهد که اولین اقدام تأثیرگذار دولت در ایجاد روند کاهش ناترازی بیمه‌ای صندوق‌های بازنشستگی باید در ارتباط با واقعی کردن حقوق و دستمزد بیمه‌پردازان باشد. اگر منابع صندوق‌های بیمه اجتماعی را تابعی از حقوق و دستمزد بیمه‌پردازان بدانیم، باید ارتباط منطقی و دقیقی بین ورودی بیمه‌های اجتماعی حاصل از بیمه‌پردازی و هزینه‌های زندگی بیمه‌شدگان و هزینه جاری ارائه خدمات صندوق‌ها وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال افزایش هزینه درمان صندوق‌های بازنشستگی مانند تأمین اجتماعی که از بسیاری موارد نظیر نرخ دلار تأثیر می‌پذیرد، با رشد ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد نیروی کار و تأثیر آن بر دریافت حق‌بیمه بخش درمان قابل‌جبران نیست و به دنبال آن، ناترازی در حوزه خدمات درمانی شکل گرفته یا تشدید می‌شود.»

او تأکید کرد: «دولت باید با استفاده از مکانیسم‌های موجود در حوزه حقوق و دستمزد و با استناد به قوانین و مقررات و همچنین با اتکابه تعامل با بخش خصوصی بازار کار، زمینه اجرایی کردن حقوق و دستمزد واقعی و حرکت به سمت حل ناترازی بیمه‌های اجتماعی را رقم بزند.»

عابدی‌روش توضیح داد: «در حوزه فعالیت کارکنان دولت، موضوعاتی نظیر اضافه‌کار و سایر موارد پرداختی به آنان در بخش حقوق ماهانه، مشمول حق‌بیمه نیست. به این واسطه پرداخت حداقل دستمزد و به دنبال آن ورودی منابع پایین به صندوق‌های بازنشستگی و در نهایت حقوق بازنشستگی پایین افراد و ناترازی صندوق‌ها شکل می‌گیرد. حرکت به سمت واقعی کردن حقوق بیمه‌پردازان این صندوق‌ها، نزدیک شدن نرخ‌های حق‌بیمه افراد در صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌گر مختلف را موجب می‌شود.»

به گفته او دولت‌ها به دلیل عدم توانمندی در تأمین منابع موردنیاز صندوق‌های بازنشستگی از افزایش منطقی حقوق و دستمزد و به دنبال آن رشد بیمه‌پردازی بیمه‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند.

این کارشناس حوزه صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی اضافه کرد: «در صورت ادامه شرایط امروز، رشد پنج درصدی سالانه وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به منابع عمومی دولت برقرار می‌شود و حتی افزایش یافته و تا جایی پیش می‌رود که برخی صندوق‌ها به‌طور کامل برای گذران امور و ایفا تعهدات به‌دولت وابستگی صددرصدی داشته باشند.

در این ارتباط معادله به‌طور کامل در اختیار دولت است؛ با واقعی کردن دستمزدها، رشد منابع و کاهش ناترازی بیمه‌های اجتماعی محقق خواهد شد.»



مقررات بیمه‌ای و جلوگیری از ایجاد و انباشت بدهی‌های دولت و رعایت قواعد بیمه‌ای و تأمین بار مالی تضمین‌شده و بین‌نسلی مورد تأکید قرار گرفته است.»

به گفته این کارشناس حوزه بیمه، در بندهای اشاره شده، ایجاد تعهدات توسط دولت و تحمیل آن به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای بدون انجام محاسبات بیمه‌ای منع شده است اما همچنین شاهدیم که در دوره‌های مختلف به واسطه تدوین و اجرای برخی طرح‌ها، بار اضافه به بیمه‌های اجتماعی تحمیل و ناترازی آن‌ها بیشتر شده است.

او تأکید کرد: «تهیه، تدوین و عملیاتی کردن مدلی با هدف گذاری تطبیق و تراز کردن منابع مالی و تعهدات بیمه‌ای در صندوق‌های بیمه‌گر، زمینه‌تراز این سازمان‌ها و حرکت به سمت تعادل در حوزه رفاه اجتماعی را موجب می‌شود. در حوزه راهبری بیمه‌های اجتماعی، همچنین مسئله تعادل بین ورودی و خروجی بیمه‌شدگان یا بیمه‌پردازان با خدمات‌گیرندگان در چارچوب بازنشستگان و مستمری‌گیران مطرح است.»

او تأکید کرد: «تهیه، تدوین و عملیاتی کردن مدلی با هدف گذاری تطبیق و تراز کردن منابع مالی و تعهدات بیمه‌ای در صندوق‌های بیمه‌گر، زمینه‌تراز این سازمان‌ها و حرکت به سمت تعادل در حوزه رفاه اجتماعی را موجب می‌شود. در حوزه راهبری بیمه‌های اجتماعی، همچنین مسئله تعادل بین ورودی و خروجی بیمه‌شدگان یا بیمه‌پردازان با خدمات‌گیرندگان در چارچوب بازنشستگان و مستمری‌گیران مطرح است.»

## تعادل مالی صندوق‌های بازنشستگی

عابدی‌روش گفت: «در کنار موارد مذکور، رشد و اعلام واقعی دستمزدهای مصوب شورای عالی کار و به تبع آن محاسبه و دریافت حق‌بیمه افراد بیمه‌شده بر مبنای محاسبات بیمه‌ای نیز در کاهش فشار ایجادکننده ناترازی بیمه‌های اجتماعی تأثیرگذار است. بخشی از رشد مدام ناترازی صندوق‌های بیمه‌ای را باید محصول این نوع سیاست‌ها و این رویکرد راهبری بیمه‌های اجتماعی دانست.»

او ادامه داد: «جبران تورم ایجاددی در حوزه کالا و خدمات، باید از طریق توسط دولت شکل گیرد و تعیین دستمزد نیروی کار مطابق با تورم یکی از این سازوکارهاست. در صورتی که شاهد این تصمیمات نباشیم، حتماً تمایل به سمت ناترازی بیمه‌ای و مالی در سازمان‌های بیمه‌گر بیشتر می‌شود. مجموعه این تأثیرات نیز در ارائه خدمات درمانی، تعهدات بلندمدت و کوتاه‌مدت صندوق‌های بیمه اجتماعی قابل مشاهده خواهد بود. خروجی این وضعیت به‌طور قطع منجر به شکل‌گیری اولویت در قالب پرداخت مستمری بازنشستگان و جامعه مستمری‌بگیر می‌شود.»

عابدی‌روش افزود: «بیمه‌های اجتماعی در چنین وضعیتی امکان پرداختن به دیگر موضوعات نظیر درمان، سرمایه‌گذاری و توسعه و تعمیم بیمه‌های اجتماعی به اقشار و گروه‌های مختلف بیمه‌ای را نخواهند داشت؛ این وضعیت حتماً محصول ناترازی بیمه‌ای و مالی در صندوق‌های بازنشستگی است.»

## شاخص‌های راهبری بیمه‌های اجتماعی

این کارشناس بیمه‌های اجتماعی بیان کرد: «در ارتباط با ایجاد تعادل منابع و مصارف و در نقطه مقابل آن در وضعیت برهم خوردن این تعادل و شکل‌گیری ناترازی در بیمه‌های اجتماعی، شاخص‌هایی در قالب محاسبات بیمه‌ای و شرایط خاص هر

## ایجاد تعهدات دولتی و رشد انتظارات بیمه‌گران

این کارشناس بیمه‌های اجتماعی توضیح داد: «در مجموع همه تعهداتی که دولت‌ها با عناوین مختلف نظیر بازنشستگی پیش‌ازمعد، کارهای سخت‌وزیان‌آور و دیگر موارد به سازمان‌های بیمه‌ای نظیر تأمین اجتماعی تحمیل کرده‌اند، رشد تعهدات صندوق‌های بیمه‌گر و افزایش انتظار ارائه خدمات به جامعه تحت‌پوشش این نهادها را موجب شده است.»

او اضافه کرد: «رشد تعهدات تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان بیمه اجتماعی کشور، ناشی از ایجاد و افزایش بار مالی طرح‌های دولت در دوره‌های مختلف نیز مصداق دارد.»

## محاسبات بیمه‌ای تنها راهکار رهایی

عابدی‌روش بیان کرد: «اگر بپذیریم که در حوزه فعالیت صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه اجتماعی، باید علم محاسباتی و راهبری حاکم باشد، محاسبات بیمه‌ای را می‌توان تنها راهکار رهایی صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از بحران ناترازی محسوب کرد.»

او با اشاره به اینکه محاسبات بیمه‌ای در حوزه راهبری صندوق‌های بیمه اجتماعی این امکان را فراهم می‌کند تا علاوه بر جاری کردن محاسبات دقیق بر مبنای علم بیمه، اطلاعات و ارزیابی دقیقی از ورود و خروج حق‌بیمه بیمه‌پردازان نیز داشته باشیم، گفت: «در نقطه مقابل این موضوع مهم، راهبران بیمه‌های اجتماعی در برخی دوره‌ها بدون توجه به محاسبات بیمه‌ای، ورودی و خروجی این سازمان‌ها را کنترل نمی‌کنند و این مهم بستر شکل‌گیری و افزایش ناترازی در صندوق‌ها را فراهم می‌کند. در واقع با وجود این شرایط ایجاد ناترازی منابع موضوعی خارج از کنترل خواهد بود.»

این کارشناس بیمه‌های اجتماعی افزود: «همه صندوق‌های بیمه‌ای در جهان، موضوع محاسبات بیمه‌ای را به‌عنوان یک واقعیت علمی در حوزه بیمه‌های اجتماعی پذیرفته و به جزئیات آن بر مبنای ورودی و خروجی مالی این سازمان‌ها عمل می‌کنند و این مهم در قوانین هم پیش‌بینی شده است.»

## بار تعهدات بر دوش بیمه‌گران اجتماعی

عابدی‌روش اضافه کرد: «در بند سه سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی نیز به موضوعاتی نظیر پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین‌نسلی و عدم تحمیل طرح‌های فاقد تضمین مالی بین‌نسلی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف و حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به‌عنوان اموال متعلق به مردم با تأکید بر امانت‌داری، امنیت، سودآوری و شفافیت با ایجاد سازوکار لازم اشاره شده است.»

او ادامه داد: «در بند چهار این سیاست‌ها، موضوعاتی همچون اصلاح قوانین، ساختارها و تشکیلات سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی در جهت تأمین عدالت و یکسان‌سازی قواعد و



**ناترازی مالی و عدم تعادل ورودی و خروجی منابع صندوق‌های بازنشستگی، موضوعی است که همواره کارشناسان حوزه بیمه‌های اجتماعی از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه جامعه، به‌ویژه شاغلان و بازنشستگان و مستمری‌گیران بیمه‌های اجتماعی یاد می‌کنند.**

براساس داده‌های آماری، امروز بخش قابل‌توجهی از صندوق‌های بیمه‌ای و به‌طور عمده بیمه‌های اجتماعی زیرمجموعه نهاد دولت، به دلایل مختلف نظیر سیاست‌گذاری و راهبری خارج از قاعده و دور از فضای محاسبات بیمه‌ای، تحمیل بار اضافه مالی به این صندوق‌ها، فراهم‌نکردن بسترهای سرمایه‌گذاری آینده‌نگر و دیگر موارد تأثیرگذار، عدم تعادل منابع و مصارف را تجربه می‌کنند.

محصول ناترازی صندوق‌های بازنشستگی از زوایای مختلف، زیست دولت در قالب سیاست‌گذار، متولی، کارفرمای بزرگ، متعهد پرداخت بخشی از حق بیمه و مسئول توسعه بیمه‌های اجتماعی، باعث شده کارفرمایان در قامت صاحبان صنایع و کسب‌وکارها و در نهایت نیروی کار کارمندی و کارگری تحت‌تأثیر قرار گیرند. به‌طوری‌که اکنون این مسئله، نیازمند چاره‌اندیشی و راهگشایی است.

غلامحسین عابدی‌روش، کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی ضمن بیان دلایل اساسی شکل‌گیری ناترازی صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی، در گفت‌وگو با «آینه‌نو» راهکارهای تأثیرگذار در سامان‌دهی وضعیت منابع و مصارف بیمه‌های اجتماعی و استناد به قانون و سیاست‌های بالادستی را در این راستا تشریح کرد.

عابدی‌روش در ارتباط با دوره و محدوده زمانی شکل‌گیری و افزایش ناترازی بیمه‌های اجتماعی گفت: «موضوع ناترازی صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی در برنامه‌های توسعه، نظیر برنامه ششم، در قالب یک بحران مورد اشاره قرار گرفت. در واقع شکل‌گیری این وضعیت را نباید را محصول دوره خاصی از مدیریت کلان کشور و سازمان تأمین اجتماعی دانست.»

او ادامه داد: «شرایط امروز صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی به‌ویژه در حوزه ناترازی این نهادها را باید خروجی راهبری کلان در مسیر نامناسب و آن‌هم در دوره‌های مختلف محسوب کرد؛ به عبارت‌ی مجموعه‌ای از شرایط در سال‌های متوالی زمینه شکل‌گیری ناترازی و برهم‌خوردن تعادل منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی را فراهم کرده است. از زوایای دیگر، وضعیت ناتراز صندوق‌های بازنشستگی در حوزه منابع را، می‌توان خروجی بخشی از تصمیمات غیرکارشناسی مرتبط با این نهاد‌های بیمه‌ای و بازنشستگی به‌شمار آورد.»

این کارشناس بیمه‌های اجتماعی افزود: «بسیاری اوقات دولت‌ها برای عبور از برخی بحران‌های مالی، چالش‌ها و مشکلات موجود و بار مالی ناشی از ارائه برخی خدمات به اقشار مختلف جامعه را بر عهده صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای و بازنشستگی گذاشته‌اند. همچنین گاهی برای پرداخت دیون خود به صندوق‌های بازنشستگی در قبال ارائه خدمات به جامعه تحت‌پوشش، شرکت‌های ورشکسته مالی را به برخی صندوق‌ها واگذار کرده‌اند.»

او ادامه داد: «همچنین در دوره‌ای، دولت برای تعدیل نیروی کار و ایجاد توازن بین منابع و مصارف مالی با استفاده از کاهش آماری تعداد کارکنان، ضمن اجرای طرح‌های مختلف بازنشستگی پیش‌ازمعد، بار مالی را به صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای انتقال داد. این مهم نیز بخشی از هزینه‌های تحمیلی به این نهادها و زمینه ناترازی را فراهم کرد. موارد اشاره شده را باید پیامدهای تصمیمات غیرکارشناسی مربوط به بیمه‌های اجتماعی دانست که در حوزه سیاست و راهبری کلان اتخاذ می‌شود و نتیجه‌ای جز افزایش بار مالی به صندوق‌ها و هدایت آن‌ها به سمت ناترازی مالی را رقم نمی‌زند.»

**آخرین داده‌های آماری سال ۱۴۰۳ صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر بیانگر نسبت پشتیبانی ۸/۸۵ درصدی این صندوق بیمه‌ای است. این شاخص تأثیرگذار محاسبات بیمه اجتماعی، میزان ورودی و خروجی بیمه‌پردازان صندوق‌های بازنشستگی را نشان می‌دهد.**

به واسطه اهمیت مؤلفه ضریب پشتیبانی در حوزه فعالیت صندوق‌های بیمه‌ای، به‌عنوان عنصر مؤثر در پایداری و تعادل منابع و مصارف این بیمه‌گران اجتماعی، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در این بخش نسبت به دیگر صندوق‌های کشور وضعیت بهتری را تجربه می‌کند. طبق آمارهای این نهاد بیمه‌ای، در حال حاضر در مقایسه با جمعیت سه میلیون نفری اعضای



با توجه به دسته‌بندی اصلاحات مورد نظر برنامه هفتم توسعه برای صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی، اصلاحاتی در حوزه‌های مالی و مدیریتی برای این نهاد‌های بیمه‌گر لحاظ شده است. چگونگی و سطح ارتباط بیمه‌های اجتماعی با نهاد دولت، روش انتصاب اعضای هیئت‌مدیره صندوق‌های بازنشستگی و اساس مسئله سرمایه‌گذاری این نهادها در راستای حفظ منابع بیمه‌شدگان به اصلاحات مورد اشاره مربوط می‌شود.

نکته اینجاست که اصلاحات مذکور به‌طور هم‌زمان در حفظ یا ارتقای شفافیت سازمان‌ها در حوزه‌های مربوط به انجام فرایندهای مالی و سرمایه‌گذاری و همچنین در بخش انتصابات مدیریست در بیمه‌های اجتماعی تأثیرگذاری دارند. مسئله در این بین رشد سرمایه‌های صندوق‌های بازنشستگی ناشی از اقدامات مذکور است. عدم شفافیت‌های مالی تهدیدی برای بیمه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین صندوق‌های بازنشستگی به‌ویژه سازمان‌های بزرگ این بخش نظیر تأمین اجتماعی بر مبنای قانون، باید در حوزه‌های مالی از فرایند مشخصی پیروی کنند. اما در عمل این گونه نیست و دولت‌ها در دوره‌های مختلف به‌وظایف خود به‌درستی عمل نمی‌کنند.

در واقع دولت‌ها با بی‌توجهی به پرداخت به‌موقع و کامل تعهدات خود همین‌طور بیمه‌های اجتماعی، در شرایطی که این صندوق‌ها به تعهدات متقابل عمل می‌کنند، زمینه انباشت بدهی و کسری نقدینگی این نهادها را موجب می‌شوند. طبیعتاً این فرایند و این مدل ارتباطی، شفافیت لازم را بین دولت و صندوق‌ها کاهش خواهد داد. شاید در این حوزه باید به موضوع اصلاحات بیمه‌ای و محاسبات بیمه‌ای صندوق‌های بازنشستگی بیش از پیش توجه کرد. برنامه هفتم همین‌طور موارد مؤثرتری در حوزه اصلاحات بیمه‌ای نظیر توسعه بیمه‌ای اقشار بدون پوشش مانند گسترش بیمه اجتماعی در بین جامعه رانندگان و صاحبان کسب‌وکارهای مجازی یا همان فعالان حوزه پلتفرم‌های مجازی مطرح کرده است. ایجاد الزام به توسعه بیمه‌ای در این بخش‌ها، ضمن گسترش سطح پوشش بیمه‌های اجتماعی در بین گروه‌های مختلف مردمی، افزایش منابع صندوق‌های بازنشستگی و پایداری بیشتر آنان را موجب می‌شود. تحولات مشاغل مختلف در دوره‌های متفاوت و ماندگاری قوانین و مقررات بیمه‌ای، عدم تعادل بین این دورا رقم زده است. به این واسطه انعطاف‌پذیری لازم در راستای اصلاحات بیمه‌ای در حوزه قوانین و مقررات این بخش، توسعه بیمه‌شدگان جدید و گسترش چتر حمایتی اقشار مختلف اجتماعی را رقم خواهد زد.»

همچنین در آخرین قانون برنامه توسعه، اصلاحاتی درباره معافیت‌های خاص دیده شده است. در این ارتباط کارفرمایان برای بهرمندی از معافیت‌های بیمه‌ای باید در آزمون‌هایی درباره درآمد سالانه کارگاه‌ها شرکت کنند و در صورت بیشتر بودن آن از یک مبلغ مشخص، این معافیت‌ها کاهش می‌یابد. اگر معافیت‌های مختلف را نوعی حمایت از جامعه کارفرمایی و اساس تولید بدانیم، طبیعتاً حمایت اقتصادی از کارگاه‌ها باید براساس یک برنامه باشد و نمی‌توان همواره این اقدامات را انجام داد. در واقع حمایت بلندمدت از کارگاه‌ها مانعی در مسیر رشد و توسعه آنان و حتی ایجاد کارگاه‌های غیرسرمی خواهد شد.

برنامه هفتم توسعه همچنین به موضوع اصلاح سن و سابقه بازنشستگی افراد تحت‌پوشش بیمه‌های اجتماعی اشاره کرده است. در این زمینه، اصلاح سابقه بیمه‌ای به‌صورت یک دوره استراحت برای افراد نزدیک به بازنشستگی لحاظ شده است. در این ارتباط اصلاح سن بازنشستگی برای بیمه‌شدگان با سابقه بسیار بالا به‌صورت یک‌باره برنامه زمانی آنان را متحول نمی‌کند و به مرور افزایش سننات را برای گروه‌های دیگر بیمه‌شده در نظر گرفته است. در برخی اصلاحات مربوط به سن بازنشستگی آنچنان که باید به‌صورت حرفه‌ای عمل نشده، به گونه‌ای که با وجود ثبت سن بازنشستگی ۶۲ سال برای مردان، این سن برای زنان در مرز ۵۵ سال ثابت مانده و این در حالی است که سن امید به زندگی بانوان بیشتر است. شکاف بیشتر سن بازنشستگی مردان و زنان را می‌توان خروجی این اقدام دانست. نکته مهم دیگر در حوزه اصلاحات بیمه‌ای نظیر افزایش سن بازنشستگی، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری انجام اقدامات مربوطه در محدوده زمانی پنج‌ساله است. سؤال اینجاست که با توجه به عرف برنامه‌های بلندمدت اصلاح سن بازنشستگی و امکان تدبیر برای رشد هم‌زمان امید به زندگی و سن بازنشستگی، برنامه هفتم به درستی در این حوزه قدم برداشته است؟

این موارد، مجموعه‌ای از اصلاحات بیمه‌ای یا پارامتریک در حوزه فعالیت صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی است که در برنامه هفتم توسعه مورد توجه قرار گرفته است. امید که با ایجاد تدبیر برای رشد هم‌زمان امید به اصلاحات، زمینه بهبود وضعیت بیمه‌های اجتماعی و گروه‌های تحت‌پوشش آنان نظیر بیمه‌شدگان، کارفرمایان، بازنشستگان و مستمری‌گیران و البته پایداری این نهادهای بیمه‌گر فراهم شود.

بهبود نسبت پشتیبانی، جذب بیمه‌شدگان و پرداخت مستمری نشان داد

## آمار روبه‌رشد صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان

در پنج‌ماهه منتهی به مرداد ۱۴۰۳ ثبت شده است. در این مدت احکام مستمری صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان به ۲۰۶ هزار و ۹۴۵ مورد رسیده و رشد ۸۹/۱ درصدی را شامل می‌شود. همچنین در این بخش، احکام مستمری بازنشستگی پیش از موعد ۴۵ هزار و ۳۲۵ مورد، از کارافتادگی کلی ۱۱ هزار و ۷۲۵ مورد، مستمری فوت یا بازماندگان ۹۷ هزار و ۷۷۵ پرونده و مستمری پیری یا سالمندی نیز ۵۲ هزار و ۱۲۰ پرونده است.

آمار مربوط به پرداخت مستمری جامعه بازنشستگان و مستمری‌گیران صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان بیانگر این است که تا مردادماه سال جاری رقمی معادل ۳۱۱۴ میلیارد و ۱۹۴ میلیون ریال در این بخش پرداخت شده که به معنی افزایش ۶۷ درصدی در قیاس با سال پیش است.

## جوانی اعضای صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان

میانگین پایین سنی در بین اعضا و بیمه‌پردازان صندوق‌های بیمه‌ای، یکی از شاخص‌های مهم در حوزه تأمین منابع پایدار برای این صندوق‌ها به‌شمار می‌رود. به این واسطه در صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر میانگین سنی ۳۶/۸ سال ثبت شده که از وضعیت مناسب این صندوق بیمه اجتماعی حکایت می‌کند. البته این آمار با وجود سیر کاهشی اکنون ۳۶ سال محاسبه می‌شود.

## رشد ۲۰ درصدی وصول حق بیمه

بر اساس جدیدترین داده‌های مربوط به وصول حق بیمه صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، با ثبت رشد ۲۰/۳۶ درصدی در این بخش، عددی بالغ بر ۲۹۱۴ میلیارد ریال